



ادامه تجاوزات ایران به دهکده های گردنشین

بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان و اعتراف سران جمهوری اسلامی و علی رغم محکومیت جهانی رژیم، حملات نظامی ایران به دهکده های گردنشین، در شمال عراق همچنان ادامه دارد. تشدید این حملات در شرایطی که جامعه بین المللی و از جمله پارلمان اروپا از دولت جمهوری اسلامی خواسته اند که فوراً این عملیات ضد انسانی را قطع کنند، نشانگر بی توجهی و بی اعتنایی کامل سردمداران رژیم اسلامی به افکار عمومی جهان و حقوق بشر در کشور ماست. به گمان ما هنگام آن فرا رسیده است که سازمان ملل متحد و شورای امنیت که قاعده ای می باشد بر روند آتش بس و صلح میان دو کشور ایران و عراق نظارت داشته باشد، با قاطعیت کامل خواهان قطع این عملیات نظامی که در خاک عراق انجام می گیرد، گردند و دولت جمهوری اسلامی را متوجه عواقب چنین سیاست هایی بنمایند. سکوت در مقابل این جنایات از نظر جمهوری اسلامی تنها به مفهوم تایید ضمنی این حملات و چراغ سیزی است برای ادامه این کشتارها.

در صفحات دیگر:

رویدادهای ایران و جهان ص ۴ و ۵

"آینده از آن سوسياليسم است!"
سخنرانی دبیر کل حزب کمونیست
آفریقای جنوبي

ص ۸

حمسه جاویدان

اواخر مرداد ماه امسال سالروز آغاز حمسه ای است که پنجال پیش در اعماق سیاهچال های مخفوق رژیم ضد مردمی و جنایتکار جمهوری اسلامی بوقوع پیوست و اسطوره ای فناهنگی و با عظمت به تاریخ مبارزات آزادیخواهان کشور ما افزود. سالروز حمسه شهیدان است. حمسه قهرمانانی که گام در راه بیداری انسان ها نهادند و همچون نسیمی دلنواز بر فراز دشت های بیکران اندیشه های انسانی به حرکت درآمدند و مشعل هدایت را در دل توده های محروم و در بلندای رفیق زندگی آزادگان برآفرانشند. انسان هایی که وارث هراتخار تاریخ شهادت، عشق و ایشار شدند و چونان البرز با شکوه و سریلند، در هر سپیده دمان سینه سیاهی و ظلمت استبداد را در هم شکستند و امید به آینده ای آزاد و رها را در شوره زار ادامه در ص ۲



شماره ۸۰۴، دوره هشتم
سال نهم، ۲۶ مرداد ۱۳۷۲

بندبازی های
هاشمی رفسنجانی
در تعیین کابینه جدید
و مشکلات لاینحل
جمهوری اسلامی

چهل سال پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد

۲۸ مرداد ماه امسال مصادف است با ۱۳۴۴ مرداد کودتای ننگین که دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون و حکومت وابسته و دیکتاتوری شاه را به مردم کشور ما تمییل کرد. سازماندهی کودتا بدست ماموران سیا و دستگاه جاسوسی دولت بریتانیا یکی از سیاه ترین و جنایتکارانه ترین نقشه هایی است که در تاریخ معاصر جهان توسط امپریالیست ها اعلیه مردم یک کشور مستقل به مرحله اجرا درآمده است.

در تمامی سال های پس از کودتا، ارتجاع آکاها نه تلاش کرد تا مستولیت شکست جنبش ملی شدن نفت را بر دوش حزب توده ایران بکناردار و از این طریق توطئه کودتای سیاه ۲۸ مرداد را در پس پرده ای از دود و ابهام نهان سازد. انتشار انواع و اقسام کتب، و نوشته های توسط سازمان امنیت شاه و اریابان آمریکایی آن نقش مهمی در پراکندهن دروغ، بذر تفرقه و تحریف تاریخ اخیر کشور ما بازی نمود. متأسفانه کم نیستند نیروها و شخصیت هایی که اتفاقاً با استناد به چنین "استنادی" در طول سال ها حزب ما را مورد بدبود ترین تهمت ها و زشت ترین ناسزا ها قرار داده اند. آخرین نمونه از این تلاش ها را می توان در گفته ها و نوشته های فردیون آذرنور، که سال ها از حزب ما اخراج گردیده است. یافت که تلاش دارد با اثبات "خیانت" حزب توده ایران، از ادامه در ص ۲

بالآخره پس از هفته ها گفتگو و زد و بند های پشت پرده، و بازار داغ شایعات، هاشمی رفسنجانی روز یکشنبه گذشته کابینه جدید خود را به مجلس معرفی کرد. همانطوریکه پیش بینی می شد وزرای راه و ترابری، کشور، بهداری و بازرگانی که مدتها بود مورد خشم و غضب اکثریت مجلس قرار گرفته بودند و فشار زیادی برای برکناری آنها وجود داشت، پست های خود را از دست دادند و به جای آنان چهره های جدیدی به مجلس معرفی شدند. بر اساس گزارش های رسیده از تهران علی محمد بشارتی جهرمی، بجای محمد نوری به عنوان وزیر کشور، اکبر ترکان به جای وزیر سابق، راه و ترابری و یعنی آل اسحاق، محمد فروزنده و محمد هاشمی گلپایگانی نیز به ترتیب به سمت های وزیر بازرگانی، وزیر دفاع و وزیر آموزش و پرورش در لیست ارائه شده از جانب هاشمی رفسنجانی گنجانده شدند.

ترکیب کابینه جدید پیش از اعلام با دقت بی نظری از سوی روزنامه جناح حاکم بر جمهوری اسلامی، یعنی روزنامه "رسالت" پیش بینی شده بود، که این مسئله نشانگر توافق ادامه در ص ۲

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

پس از گذشت بیش از ۴۰ سال در مرکز استاد رسمی پرستانیا در اختیار عموم قرار گرفته است. در این زمینه بسیار گویا و خواندنی است. وی در این گزارش سوی پس از تحلیل طولانی از اوضاع اجتماعی - سیاسی و اقتصادی ایران من نویسد: "از آنجا که تبلیغات مصدق، در په اجرا در آوردن کارهای بالا (بستن پانکها و مراکز فرهنگی انگلیس در تهران و عدم تمدید قرارداد مشاوران نظامی آمریکا) حسوس با تبلیغات توده ای هاست، مصدق ممکن است این امر را به عنوان پیمه ای برای دولت خودش در مقابل خطر کمپرس ارزشی کند. انتبه بزرگ است اگر فکر کشم مصدق گام های جدی تری در تجدید تقدیر حزب توده بر خواهد داشت و با اصولاً دست به سرکوب حزب توده خواهد زد. ما باید تصور کنم حزب توده به تعلیت خود ادامه خواهد داد و بر تقدیر خود در مراکز صنعتی و سیاسی دولت خواهد ازدود...". حزب ما پیکسل پیش از کودتا در نامه سرگشاده ای که خطاب به دکتر مصدق انتشار داد به روشنی سیاست توطه گرانه امپریالیست ها را تشریح نمود. در این نامه حزب نوشت: "امپریالیست ها از هم اکنون به دست مستشاران نظامی تکه های مفصل درباره سرکوبی تایید ها و جنبش های توده ای از راه برادر کشی طرح کرده و برای اجرا آمده ساخته اند و هدف آنها زمینه سازی کودتا امپریالیستی است..." (وزم آوان، ۱۶ شهریور ۱۳۶۱).

تاریخ، حتی این عذردار بجای حزب ما را که پس از آن نیز تا شب کودتا پارها تکرار گردید، به اثبات رساند. کارزار روانی - تبلیغاتی "خطر کمونیسم" که توسط برخی تاییدگان سرپرده در مجلس مانند جمال امامی و نشریات واپسی به امپریالیسم مانند "شاهد" در ایران بصورت گسترده به راه اداخته شد متأسفانه تا حد زیادی در خود مصدق و دولت او نیز تائیر گذاشت و مانع همکاری نیروهای متقدی با یکدیگر گردید. این اشتباه تاریخی و تفرقه بین نیروهای متقدی از عده ترین دلایل شکست جنبش ملی شدن نفت و موقتی کودتا ۲۸ مرداد بود. به قول مولف کتاب "دقاع دکتر مصدق از نفت در زندان لشکر ۲ زرهی"، دکتر مصدق در زندان نوشت: "کمونیسم را بهانه کردند برای اینکه ۴۰ سال دیگر از معادن نفت ما سوء استفاده کنند و برای ادامه سوء استفاده ملت ایران را از آزادی و استقلال محروم نمایند".

کارزار توده ای سیزی و "خطر کمونیسم" در ایران بعدها، پس از سرنگونی حکومت کودتا و پیروزی انقلاب بهمن، نیز با شمات اعجاب انگیزی بار دیگر در مملکت ما به اجرا در آمد و پیکار دیگر ارجاع توانست بدنبال این کارزار میهن ما به بند استبداد و اختناق پکشد. بیشک تا زمانی که نیروهای سیاسی کشور ما بدور از پیش داوری ها به قضاوت عادلانه در این زمینه نتشیستند، و درس های لازم از این شکست را بطور جدی پرسنی نکنند، باید منتظر بود که در آینده نیز این پدیده دردناک بار دیگر در اشکال دیگر تکرار گردد.

چهل سال پس از ...

طبق مقابله نکردن با کودتا، جرم و خیانت مستولین اصلی این فاجعه بزرگ تاریخ معاصر کشور ما را استوار کند (فته نامه "نیمروز" ۱۵ مرداد ماه ۱۳۷۲). نظریه آگذار سازمان اسری حزب و این نظر که "سازمان اسری حزب آنقدر قوی بود که می توانست رژیم را سرنگون کند..." سال ها پیش از سوی دیروهای مختلف و عمدتاً با هدف پرده پوشی بر واقعیات مطرح گردیده است و سال ها پس از آنکه امام حسین خاتم پیغمبران تویان کیشی و کم سازمان افسری حزب آشکار شده است، و کمتر کسی است که نداند و اذعان نکند که می توان با پیک نیروی ۶۰۰ نفره نظامی رزم تا دندان های جاسوسی انگلیس روی کار آمده است دستگاه های جاسوسی انگلیس روی کار آمده است سرنگون کرد، طرح دوباره چین نظریات داشت، چیزی جز شارلاتانیسم سیاسی می تواند باشد. مطற کردن این که حزب با اینکا به "ایلو" اعصاب خود می توانست کودتا را با شکست رویرو کند نیز از میع پشتونه منطقی برخورد دارد تیست. تاریخ اخیر کشور شاهد زنده ای در رد چین نظریات ماجراجویانه و می اساسی است. سرکوب نظامی چینش از دریای چین و کردستان در همان دوران پیش از کودتا علی رغم حمایت وسیع و توده ای و حق مسلحانه از این جنبش ها نشان داد که تنها با اینکا به کمیت می توان جلوی استبداد را ستد کرد. تجربه دردناک اخیر کشور ما، پس از پیروزی انقلاب بهمن در زمینه سرکوب خونین نیروهای متقدی، از جمله به عنوان نونه سازمان مجاهدین خلق ایران، علی رغم حمایت وسیع و توان بالای کمی و داشتن ده ها هزار عضو و هوادار، نیز بار دیگر این نظر را ایات کرد، که می توان با اینکا و بازی با آثار و ارقام به مقابله با استبداد پرداخت و ماجراجویانه هزاران انسان را به کشتارگاه برد. خود دکتر مصدق بعدها در خاطرات خود در رد چین لاطالاتی نوشت: "راجع به اظهارات بعضی از تاییدگان که در زمان دولت اینجانب حزب توده آزادی عمل داشت و چنانچه دولت سقوط نمی کرد بر اوضاع مسلط می شد ... مسلط شدن افراد چپ هم بر اوضاع حرفی بود بی اساس، چونکه احزاب چپ اسلحه نداشتند تا بتوانند بر اوضاع مسلط بشوند. با تمام جدیتی که بعد از سقوط دولت اینجانب بکار رفت آیا ده قبضه تفنگ در خانه یکی از انسان و یا در محلی مربوط به احزاب چپ بdest آورده؟..." ("خاطرات و تأملات" دکتر مصدق صفحه ۲۸۸).

اکنون پس از گذشت چهل سال و با اینکا به استبداد اینکار ناپذیری که از سوی خود سازمان دهدگان کودتا در دسترس عموم قرار گرفته است مسلم گردیده که یکی از عده ترین هدف های سازمان اینکار این توپه، سرکوب کامل حزب توده ایران و از بین بردن جنبش مردمی و آزادیخواهانه کشور ما بوده است. گزارش محترمه "سر اف. شپرد"، منشی مخصوص نخست وزیر انگلیس در تهران که به سفارت امور خارجه در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۵۲ ارسال گردیده است و اخیراً توسط دولت انگلستان

پندبازی های هاشمی ...

حالات دو جناح پیش از اعلام کایپنه جدید مو باشد. حفظ چارچوب کلی کایپنه و تغیرات نسبتاً کم آن نشانگر تصمیم راستگانی و حاکمیت جمهوری اسلامی در ادامه سیاست های ای است که در پنجم سال گذشت به پیش پرده شده است و اثرات فاجعه پاری در عرصه های اقتصادی و اجتماعی کشور به بار آورده است.

سیاست های مغرب اقتصادی تبدیل کشور به بازار کالاهای وارداتی خارجی، می توجهی و عدم حمایت از صنایع داخلی کشور، و تکه به اقتصاد تک محصولی بر اساس فروش نفت از جمله سیاست هایی است که قدر و حق ماندگی در کشور را تشکید کرده، پیماری از واحد های تولیدی کشور را به ورشکستگی و محاق تعطیل کشاند، میلیون ها کارگر و کارمند را برمدم کرده و شرایط سخت و طاقت فرسایی را بر مدم میهن ما تحمیل کرده است. ادامه جو شماره حققان و تجاوز به حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی به بیانه های مختلف و مسخره ای مجهون "مبارزه با تهاجم فرهنگی" و "امر به معروف" نیز چارچوب اساسی سیاست های اجتماعی دولت راستگانی و حاکمیت جمهوری اسلامی در سال های اخیر را تشکیل می دهد.

پندبازی های هاشمی راستگانی در تعیین کایپنه جدید، پیشنهاد اعطای برخی پست های کلیدی به جناح راست و در عین حال حفظ ترکیب عده کایپنه گذشت، نیز تبا به آن منی است که بحران دولت جمهوری اسلامی که در طی سال گذشت تشکید نیز گردیده بود، بحرانی است که ریشه در ساختار ناهمگون و قرون وسطایی رژیم دارد و هیچ تغییری از این دست توان حل و حتی تخفیف آنرا ندارد.

مردم کشور ما مدتهاست که به این درک ریسیده اند که سردمداران جمهوری اسلامی همه سر و ته یک کرباس "ستند و می توان ایدهوار بود که جاگایی هایی از این دست کوچکرین تغییر جدی در اوضاع کنونی کشور ایجاد کند. مقابله با سیاست های ارجاعی رژیم برای تحمیل عقاید قرون وسطایی و واپسکرا به جامعه ما در کنار مبارزه با تعدیات، زورگویی ها و باجگیری های دستگاه فاسد و ضد مردمی جمهوری اسلامی تنها راه مقابله با حکومتی است که زندگی را بر میلیون ها شهروند کشور ما سیاه و تباء کرده است. در ماهیات اینده با به اجرا در آمدن تهدیدهای هاشمی راستگانی برای از بین بردن سویسیدهای دولتی و تشکید بیش از پیش نشار بر اکبریت محروم جامعه، باید انتظار داشت که آتش این مبارزه حادتر شود. سازماندهی آگاهانه و همه جانبیه مبارزات هرآنکه و روزمره توده ها در گوش و کنار کشور علیه رژیم تنها راه طمعن درهم شکستن طلس اختناق و گشودن راه برای تحولات سرنوشت ساز آینده است. می گویند: "از کوزه همان برون تراود که در اوست". از کوزه رژیم "ولایت فقیه" می توان انتظار کایپنه ای را داشت که حلال مشکلات ریشه دار جامعه ما باشد.

از کره جنوبی می باشدند.

فلسطين اشغالی

همزمان با ادامه تاکس های بین المللی به منظور حصول توافقی بین اسرائیل و فلسطینی ها، و در زمانی که طرح های ارایه شده از سوی ایالات متحده برای ایجاد صلح بین اسرائیل و فلسطینی ها متضمن عقب نشینی های جدی نیروهای فلسطینی از خواسته های برقع آن ها می باشد، اسرائیل به ایجاد مستعمرات، شهربانی های یوودی نشین و غصب اراضی فلسطینی ها ادامه می دهد.

اخبار رسانیده حاکم است که اسرائیل برای بیرون راندن بومیان منطقه اشغال شده و بیرون نوار غزه، به اقدامات غیر انسانی شدت بخشیده است. در این زمینه گزارش شده است که تنها ۲۵٪ آب مصری به فلسطینی ها که ۱/۸۰٪ سکنه نوار غزه را تشکیل می دهند، اختصاص داده شده است. این در حالیست که ۷۵٪ بقیه آب به مهاجرین یهودی که در مستعمرات پیرامونی زندگی می کنند و نسبتی کمتر از ۲۰٪ ساکنین منطقه را تشکیل می دهند، تخصیص یافته است. علاوه بر آن آلوودگی آب، فقدان وسایل لازم برای لاپروری فاضلاب و عدم مجهز بودن مناطق فلسطینی به امکانات ضروری جهت از بین بردن زباله های شهری، سبب بروز و شیوع بیماری هایی چون وبا، تیفوئید و... شده است. در این زمینه منابع آکاه اظهار نظر کرده اند که اینگونه عوارض مهلك، بخشی از سیاست های آکاهانه اشغالگران صهیونیستی است که قصد دارند فلسطینی های بومی منطقه را به هر قیمتی شده از سرزمین شان بیرون برانند.

مراکش

توپیر عمومی، دبیر کل کنفراسیون دموکراتیک کارگران مراکش و دریس لفینی، عضو هیئت اجرایی اتحادیه عمومی کارگران مراکش، اخیرا از زندان آزاد گردیدند. این دو رهبر اتحادیه ای به اتهام اهانت به اعضای دولت و نیز ارکان دولتی، به ۲ و ۵ سال زندان محکوم شده بودند. رفیق عمومی در ضمن از رهبران حزب سوسیالیستی و لفینی از رهبران حزب استقلال می باشدند. این احزاب از سازمان های ترقیخواه اپوزیسیون مراکش هستند که در انتخابات اخیر کشور با تشکیل ائتلافی چند حزبی از احزاب مترقب و چه توائبند ۹۱ کرسی تاییدگی در پارلمان را از مجموع ۲۲۲ کرسی به خود اختصاص دهند.



لبنان

در نتیجه اشغال لبنان و بیاران آن توسط نیروهای اشغالگر اسرائیلی صدها نفر کشته و بیش از ۵۰۰ هزار نفر بی خانمان شده اند. حسن مداول، وزیر دفاع کشور لبنان در طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که نتیجه این اشغال غیر قانونی و بیماران مردم بیکناه و بیدفاع لبنان، خسارات فراوانی است که در حال حاضر تعیین میزان آن دشوار است. وی خاطر نشان ساخت که هدف اسرائیل از میزبور در هم شکستن مقاومت نیروهای ضد اسرائیلی و ایجاد مشکلات "جنگ زدگی" و "خرابی" در لبنان بوده تا این طریق بر دولت لبنان فشار بیاورد که جلوی فعالیت نیروهای جنبش مقاومت ضد اسرائیلی را در این کشور بگیرد، فعالیت های سیاسی و نظامی آنان را شدیدا محدود کند و نهایتا آنها را از کشور بیرون براند.

یونان

اعتصاب کارگران و کارمندان بخش دولتی علیه سیاست سپردن صنایع و خدمات به بخش خصوصی ادامه دارد. ماه گذشته اعتتصاب ۴۸ ساعته کارگران یونان به تعطیلی بانک ها، پست خانه، اخلال در شبکه برق و وسایط تعلیم عمومی انجامید.

۱۸ یونانی در اعتراض به طرح فروش "کمپانی دولتی ارتباطات راه دور"، تصمیم به اعتتصاب عمومی دارند. مقامات رسمی اتحادیه ای یونان اعلام کردند، ۲۸۰۰ نفر کارمند و کارگر شرکت مذکور علیه قانونی که به منظور فروش ۲۵٪ سهام این شرکت به بخش خصوصی از سوی دولت مطرح شده است، یک هفته اعتتصاب خواهد کرد.

این قانون در صورت تصویب منجر به کنترل این شرکت از سوی مدیریت خارجی (غیر یونانی) خواهد شد.

هم اکنون بحث بسیار داغی در محافل سیاسی یونان در مورد این طرح قانونی آغاز شده است. این طرح که ۱۵ مرداد ماه توسط دولت به مجلس تقدیم شد، می تواند عملا به از دست دادن اکثریت پارلمانی از سوی حزب محافظه کار منجر گردد. این حزب هم اکنون با اکثریت فقط یک تاییدگر قدرت را در دست دارد. حداقل ۵ تاییدگر حزب محافظه کار "دموکراسی نوین" مخالفت خود را با این قانون اعلام کرده اند. حزب سوسیالیست که در اپوزیسیون قرار دارد دولت را متهم کرده است که در صدد فروش ثروت ملی می باشد. حزب کمونیست یونان نیز در مرکز اقدامات اعتراضی علیه دولت به

رهبر اتحادیه کارمندان بخش ارتباطات در مقابل گفت: "مدیر عمومی توسط سهامدار استراتژیک و اصلی برگزاره خواهد گردید و در واقع این اوست که تمام کنترل کمپانی را به عهده خواهد داشت، جمع هیچ نقشی در تصمیمات سیاست گذاری خواهد داشت و این بدان معناست که کمپانی به طور کامل توسط یک خارجی اداره خواهد شد".

شش کمپانی بین المللی برای تاصاحب سهام کنترل کننده در "کمپانی ارتباطات راه دور" که در صورت موافقیت دولت این کشور به پیشبرد سیاستش در ماه سپتامبر به بازار ارایه خواهد گردید، برنامه ریزی کرده اند. این کمپانی ها عبارتند از: شرکت تلکراف و تلفن از ژاپن، تلکوم از فرانسه، GTE از آمریکا، شرکت تلفن اسپانیا، STET ایتالیا و شرکت تلکوم

کارگران همه کشورها، دونده شوید!!

"تحت پوشش" قرار داده است! باید اذعان کرد که این دستاورده رژیم در تاریخ معاصر ایران - حداقل در طول ۱۴ سال گذشته - بی سابقه بوده است!

اما اشتباه خواهد بود اگر لحظه‌ای تصور شود که اداره کل کار گیلان، در "صیانت" از طبقه کارگر به همین فدایکاری ها بسته کرده است. طبق شاهادت آقای حسینی، به کوشش این اداره، برای جلوگیری از رشد بیکاری در این استان، سال گذشته کلک احداث دو مجموعه ورزشی کارگری برای اولین بار در استان گیلان در زمینی به مساحت ۱۵ هکتار در رشت و ۵/۴ هکتار در صومعه سرا با حضور وزیر کار به زمین زده شده است.

واقعاً هم فقط دشمن طبقه کارگر می‌تواند اینهمه فدایکاری، از خود گذشته‌گی، تلاش و خلاقیت در راه کاهش بیکاری در سطح استان گیلان را نادیده بگیرد و مدعی شود که وزارت کار و اداره کل کار استان گیلان برای کاهش بیکاری برنامه‌ای ندارد.

می‌توان تصور کرد که با پیروزی برنامه‌های اشتغالی وزارت کار، ما به زودی صاحب صدماً استادیوم ورزشی که کارگران میهن در آنها به دویدن مشغولند، و هزاران "بازارچه" که کارگران صنعتی کشور در آنها به فروش "ليمونادهای تولیدی خود" اشتغال دارند، و ده ها کمپانی بین المللی که به کار کثیف و بی ارزش تولید و فروش محصولات در کشور ما تن در داده اند، خواهیم بود.

حتی مارکس و انگلیس و لنین هم با تمام دانشان نمی‌توانستند تصور کنند که کارگران بتوانند در مدتی چنین کوتاه به پیروزی هایی چنین بزرگ دست یابند!

از نیروی کار صیانت نماید (۱) و از بیکار شدن کارگران جلوگیری کند (۱۱).

آقای حسینی حتماً انتظار ندارند که کارگران به خاطر "صیانت" از نرخ ۲۴ درصدی بیکاری در استان گیلان، به ایشان مدار اقتخار هم بدهند! اما به قول یک ضرب المثل قدیمی: با چنین دولتی، طبقه کارگر ایران دیگر نیازی به دشمن ندارد.

اما "صیانت" اداره کل کار استان گیلان از کارگران به همینجا ختم می‌شود. به گفته آقای حسینی، با اینکه "وزارت کار و به تبع آن اداره کل کار بوجود آورده فرسته های شغلی نیستند" - یعنی هیچ وظیفه‌ای در رابطه با اشتغال کارگران ندارند! - این اداره پا از حد وظیفه فراتر گذاشت و "با توجه به نامناسب بودن وضع اشتغال و بالا بودن نرخ بیکاری در استان (۱)" اقدام به ایجاد بازارچه هایی (۱۱) برای افراد بیکار نموده که محصولات تولیدی خود (۱۱۱) را در آنجا عرضه کنند".

جدا از این که چند دقیقه قبل همین جناب حسینی کم حافظه، مدعی شده بود که اداره کار استان گیلان "توانسته است از نیروی کار صیانت نماید و از بیکار شدن کارگران جلوگیری کند"، باید از ایشان پرسید که این کارگران بیکار قرار است کدام "محصولات تولیدی" خود را در این "بازارچه ها" بفروشند؟ و مگر در بازارهای حقیقی "جایی برای فروش "محصولات تولیدی" آنان نبوده است که اداره کار استان مجبور به ساختن "بازارچه" برای آنها شده است؟

طبق گفته آقای حسینی، این پروژه اشتغالی فوق برنامه و فوق وظیفه اداره کل کار استان گیلان، نه یک کارگر، نه دوکارگر، بلکه "بیش از ۷۰ نفر" کارگر را در تمامی سطح استان گیلان

سوان رویم "ولايت قیمه"، که اکنون دیگر سیاست "حمایت از مستضعفان" را رسماً به کناری نهاده و با زبان پانک جهانی با کارگران و زحمتکشان میهن ما سخن می‌گویند، این روزها یک قدم در پشت سر بعض خصوصی به راه افتاده اند و می‌گوشنده تا روی جنایاتی که سرمایه داران داخلی و بین المللی در حق زحمتکشان میهن ما روا می‌دارند، خاک بربریزند و بر آنها پرده ساتر بکشند. اما این پشت کردن به منافع کارگران و زحمتکشان، گاه سران رئیم را به چنان توجیه گری های مسخره و بی پایه ای و اداره می‌کند که مسئله از حالت ترازوی خارج می‌شود و شکل کمی به خود می‌گیرد.

آنونه چنین وضعی، بن بست ناشی از اخراج های گسترده کارگران توسط بخش خصوصی است. که علی رغم نام فریبند و گمراه کننده "تعديل نیروی انسانی" که بر آن نهاده اند، برای وزارت کار و امور اجتماعی رژیم مشکلات جدی ایجاد کرده است. مسئولان این وزارتاخان، که برای تسلیم طلبی خود در برایر این اخراج ها هیچ توجیه قابل قبولی ندارند، نه فقط به ضد و تغییر گویند، بلکه به شعبده بازی در عرصه سیاست اجتماعی نیز اقتاده اند.

سخنان آقای حسینی، "مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی استان گیلان"، در مصاحبه مطبوعاتی که وی اخیراً در بندر انزلی داشت، نموده زنده این مدعای است. وی در پاسخ به خبرنگاری که با ذکر ارقام مشخص از او می‌پرسد: "سیاست های تعديل نیروی انسانی با توجه به نومنان نرخ بیکاری بین ۱۸ تا ۲۴ درصد در این استان چه اثری بر رشد بیکاری دارد؟" می‌گوید: "اداره کل کار با استناد به قانون کار جمهوری اسلامی ایران توانسته است

أخبار زحمتکشان

تلاش برای کوچک نشان دادن نرخ تورم
افزایش قیمت کالاها امروز آنچنان ایداع بخوبی به خود گرفته است که دولت برای کوچک جلوه دادن آن، دست به اعلام نرخ تورم بر حسب افزایش فعلی قیمت ها زده است. به عنوان نمونه، بر اساس گزارش اخیر روابط عمومی مرکز آمار ایران، "شاخص بهای خرده فروشی کالاها و خدمات موردنی مصرف خانوارهای روستاپی کشور در پاییز ۱۳۷۱ نسبت به فصل قبل" (یعنی فقط در عرض سه ماه)، ۲/۲ درصد افزایش یافته است. این در حالی است که بر اساس همین گزارش، شاخص قیمت ها در بخش خرده فروشی کالاها و خدمات در روزهای نسبت به سال ۱۳۷۱، ۲۱ درصد، و نسبت به سال ۱۳۶۱، ۴۱۰ درصد، در راستاها نسبت به سال ۱۳۷۱، ۲۱ درصد، و نسبت به سال ۱۳۶۱، ۴۱۰ درصد بالاتر بوده است! بر اساس همین توقیف تازه، مرکز آمار ایران نرخ افزایش فعلی قیمت پوشال و کفش را ۷/۸ درصد؛ بهداشت و درمان را ۴/۴ درصد؛ غذایی اماده را ۷ درصد؛ گوشت قرمز و سفید را ۲/۴ درصد؛ ادویه و چاشنی ها را ۵/۷ درصد و لبپیات و تخم مرغ را ۱/۱ درصد اعلام کرده است. محاسبه نرخ سالانه تورم را بر عهده خواننده می‌گذاریم.

«عمر برفت و پاداش سنتوات خدمت نرسید»!
بیش از ۱۲۰۰ تن از کارکنان و کارگران بازنیسته شرکت نفت، طی یک نامه اعتراضی که اخیراً در مطبوعات داخلی کشور به چاپ رسید، خواستار رسیدگی مسئولین به مشکلات خود شدند. کارکنان و کارگران بازنیسته در نامه خود مطرح کرده اند که شرکت نفت از پرداخت "سنتوات خدمت" سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ آنان، که به بهانه جنگ متوقف شده و دولت اعلام کرده بود "بعد از اتمام جنگ تھماً این پول پرداخت خواهد شد"، خودداری می‌کنند. به گفته کارگران، پس از اتمام جنگ تا بهمن ۱۳۷۱، شرکت نفت به بهانه اینکه "باید طرح پرداخت پاداش سنتوات به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد"، از پرداخت مطالبات کارگران خودداری کرده و امروز هم که ۵ ماه از تصویب این طرح توسط مجلس شورای اسلامی گذشت، از انجام آن سر باز می‌زند. کارگران در نامه خود از "مسئولین امور مربوطه" خواسته اند که "کمی به خود آیند و جهت رفع این مشکل کهنه ما... هرچه زودتر اقدام نمایند".

حمسه جاویدان ...

رفیق هوشنگ ناظمی (امیر نیک آین) در سال ۱۳۲۹ به عضویت حزب توده ایران درآمد. پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲، برای تحصیل در رشته فلسفه به

رومانی فرستاده شد. رفیق ناظمی دانشکده فلسفه بخارست را با درجه بسیار خوب گذراند و از آن پس پژوهش‌های فلسفی همیشه یکی از رشته‌های اصلی فعالیت حزبی او به شمار می‌آمد. دو کتاب او به نام‌های "متریالیسم دیالکتیک" و "متریالیسم تاریخی"، که به صورت درستname تهیه شده، یکی از منابع اصلی برای آشنا شدن جوانان ایرانی با فلسفه علمی معاصر بوده و هست.

رفیق ناظمی در سال ۱۳۴۱ به تحریریه رادیوی "پیک ایران" پیوست. بویژه سال‌های کار او در رادیوی "پیک ایران"، دوران سریع رشد او بهای ریکارڈ آزموده، پرتوکول و بسیج کنندۀ حزبی بود. کدام روزمند توده ای علیه رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی است که هر روز با شنیدن صدای گرم و امیدبخش او، به برداشت گامی تازه در راه سرنگونی دیکتاتوری تشویق نشده باشد؟

کتاب‌های فلسفی و مقالات مربوط به مسائل کشاورزی و مبارزات دهقانان او، که طی سالیان دراز، چه به صورت مستقل و چه در نشریات حزبی مانند "مردم" و "دُنیا" منتشر می‌شد، حاصل کار پرثمر پژوهش‌های ارزشمند رفیق ناظمی در این دو رشته طی سال‌های فعالیت در رادیوی "پیک ایران" است.

رفیق ناظمی در پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی (تیرماه ۱۳۵۴) عضو مشاور کمیته مرکزی شد.

پس از پیروزی انقلاب، او بیدرنگ به کشور بازگشت. فعالیت در هیئت‌های تحریریه "نامه مردم" و "دُنیا" و مسئولیت کمیسیون مرکزی دهقانی حزب، از وظایف اصلی او بود. رفیق ناظمی در پلنوم هفدهم کمیته مرکزی به عنوان عضو اصلی کمیته مرکزی انتخاب شد.

به دنبال یورش‌های رژیم جمهوری اسلامی به حزب، رفیق ناظمی همراه دیگر رهبران طراز اول ارجمند و قهرمان ما را روزهایی بس دشوار، همراه با شکنجه‌های قرون وسطایی را از سر گذراند. دُنیمان، که به خصوص به نفع حقانیت فلسفه متریالیسم دیالکتیک و متریالیسم تاریخی از زیان او نیاز داشتند، برای رفیق ناظمی "جبهه" تازیانه تعین کرده بودند. ولی آنها می‌چکاه به این هدف خود دست نیافتند. مقاومت حمسه ای رفیق نیک آین و سازماندهی اعتصاب غذا، وی را به یکی از چهره‌های برجسته و قهرمان در زندان بدیل کرده بود.

رفیق عباس حجری بجستانی، عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، در سال ۱۳۲۴ به سازمان نظامی حزب توده ایران پیوست. او پس از کشف سازمان نظامی، در کرمان بازداشت شد و برای بازجویی به تهران منتقل گردید. در تهران پس از گذر از هفت خوان شکنجه و شلاق، به حبس ابد محکوم شد. و بدین ترتیب سال‌های

سرزمن سرنیزه‌ها آگاهانه و دلاورانه شخم زدند. سردمداران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی خشمگین از شکست در جبهه‌های جنگ و مصمم در انتقامگیری از خلق چنان کشتاری را در زندان‌های ایران سازماندهی کردند که در تاریخ اخیر کشور ما بی سابقه بوده است. هزاران دلار انساندوست، مبارزین پرسور راه آزادی میهن در مقابل دادگاههای صحراوی و ضد انسانی رژیم به آزمونی دشوار کشیده شدند، تسلیم به خواست دُنیمان و یا ادامه مبارزه تا آخرین قطره خون. هزاران انسان بیگناه از سازمان‌ها و احزاب گوناگون کشور از حزب ما، سازمان قدایان خلق ایران (اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق ایران، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان کارگران انقلابی (راه کارگر)، سازمان قدایان خلق ایران، کومله و ... قتل عام شدند تا رژیم ضد مردمی چند صباحی بیش به حیات ننگین خود ادامه دهد. بر اساس گزارش های سازمان‌های جهانی حقوق بشر از جمله سازمان غفو بین الملل و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، حداقل ۵ هزار نفر در جریان کشتارهای رژیم جان خود را از دست دادند. حزب توده ایران در فاجعه ملی بیشترین آسیب را دید، چرا که گروهی از بهترین فرزندان مبارز، دانشمند و فرزانه‌اش در میان این قربانیان بودند.

در این میان باید از سردمداران مبارزی چون ابوتراب باقرزاده، عباس حجری بجستانی، اسماعیل ذوالقدر، که در حدود نیمی از عمر خود، یعنی ۲۱ سال، را در زندان‌های رژیم شاه و خمینی گذراند بودند... از دانشمندان و فرزانکان بزرگی چون منوچهر بهزادی، فرج الله میزانی (جوانشیر)، دکتر حسین جودت، رفعت محمدزاده (اخکر)، هوشنگ ناظمی (امیر نیک آین)، دکتر احمد دانش شریعت پناهی، محمد پورهمزان، بهرام دانش، و ... از کارگران مبارزی چون آصف رزمدیده، سابر محمدزاده، هدایت الله معلم، حسن جلالی... از ایشارگرانی از نسل تو مبارزان توده ای چون فاطمه مدرسی (سینمین فردین)، ایوالحسن خلیل، سعید آذرنگ، حسین قلمبر، فریبرز صالحی، فرزاد دادگر... از افسران توده ای چون ابوالقاسم افراشی، محسن بیکدلی، رحیم شمس، داود قریشی... و از کادرهای برجسته ای چون مهدی حسنه پاک، عزت الله زارع، مهرداد فرجاد آزاد، اصغر محیوب و ...، باید نام برد.

این یادواره را ناکاهی کوتاه به زندگینامه دو تن از شهدای قهرمان "فاجعه ملی" به پایان می‌برم. درحالیکه می‌دانیم و اطمینان دارم که در ادامه راه مبارزه خود، فرازها و فروعهای دیگری نیز در انتظار ما است. ای بسا جانبازان فداکار توده ای که در این گرگ و میش تاریخ، راه حیدرعمواوغلى‌ها، ارانی‌ها، روزیه‌ها و رحمان هاتفی‌ها را تا سرمنزل پیروزی نهایی و رهایی زحمتکشان میهن ادامه خواهد داد.

دشوار زندان، سال‌های مقاومت و استواری آغاز گردید. این انسان والا ۲۵ سال از زندگی خود را غونه وار در شکنجه گاه‌ها و سیاهچال‌های رژیم شاه گذراند.

پیش از پیروزی انقلاب بهمن، در اوج جنبش در پاییز سال ۱۳۵۷، رفیق حجری مددوش با دیگر سرداران حزب از زندان آزاد شد. برای "عباس آقا" تفاوت زندان و پیرون از زندان، تنهای در تغییر عرصه نبرد خلاصه می‌شد. اگر تا دیروز در درون دخمه‌ها و شکنجه گاه‌ها با قائم وجود در رویارویی با دُنیمان، صلات و شکست ناپذیری و دلاری خلق و حزب را به پیشاند، به اینکه شب و روز بشناسد، به امر سازماندهی می‌پرداخت، هنری که از آن بهره بسیار برده بود. رفیق حجری در مقام مسئولیت سازمان ایالتی حزب در تهران، به عنوان یک رهبر شایسته، نقش مؤثر در فعالیت سازمانی حزب بازی کرد.

دیری نپایید که با یورش ارگان‌های سرکوبکر جمهوری اسلامی، بار دیگر رفیق حجری به "جرم پیکار آشی" ناپذیر با ارجاع و امپریالیسم دستکیر و این بار راهی شکنجه گاه‌ها و دخمه‌های جهنی رژیم قهقهه شد. رژیم نسبت به رفیق حجری، به عنوان فلاح زندان‌ها و شکنجه گاه‌های شاه، حساسیت ویژه‌ای نشان می‌داد. آنها او را در دوران بازجویی هزاریار کشتد و زنده گردند. او را به وجود نیمه جان تبدیل می‌کردند. و چون نمی‌توانست روی پا بایستد، پاسداران او را در بهتی می‌انداختند و به سلوی می‌بردند. قامت ستر و پهلوانی حجری چون شمع آب می‌شد، ولی شکنجه‌های غیرانسانی را پایانی نبود.

یکی از رقای هم بند رفیق حجری، پیام نیز را توسط رفیق دیگری که از زندان آزاد می‌شد، برای رهبری حزب فرستاد:

یک چیزی می‌خواستم بگویم... اگر روزی آزاد بودی و اگر روزی دویاره فعالیتی مثل سابتی بود و همه چیز مثل سابتی بود، برویانی بود، اگر خواستید از این روزها، خلاصه حوادثی که این ۲ و ۳ سال پرما گذشته، چیزی تهیه کنند، مثلاً مجسمه ای، پیکره ای که سمبول این روزها و مقاومت‌ها باشد بسازند، این روزها و مقاومت‌ها باشد بسازند، تو حتی بکو، وظینه داری، وظینه انسانی و اجتماعی، حتی بکو مجسمه عباس آقا را بسازند. حتی بکو... آن روزها ما نیستیم، حتی بکو این مرد همه چیز ما بوده و هست.

بحیرست، بحر عشق که هیچش کرانه نیست آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست

خاصی (یعنی همان دورانی که به حذف جناح چپ کمر بسته بودند) قلمداد کرد و از کتاب آن گذشت. اما خود کرده را تدبیر نیست و همچنان مجلس چهارم کار خودش را کرده بود

ماجرای "شله سعدی" ، روزنامه "سلام" و آخرین تو مانی

شله سعدی، تماینده جنجال برانگیز شیراز، اخیراً در مصاحبه ای که با خبرنگار روزنامه "سلام" انجام داد، مطالبی را عنوان کرد که جنجال زیادی در مجلس پیا کرد و بسیاری از تمایندهان مجلس در سخنان مختلف به او حمله کردند و گروهی نیز حتی وی را به کنک زدن تهدید کردند. برادر رئیس مجلس، که رئیس فدراسیون پکس کشور نیز می باشد طی سخنانی اعلام کرد: "سعدی باید بیان پشت تربیتون مجلس از حرف هایی که زده است، مذعرت بخواهد یا اینکه با همین مشت ها، دهانش را خرد می کنم". و اما اصل ماجرا چه بود و "شله سعدی" چه گفته بود که چنین باعث خشم تمایندهان مجلس گردید. در ذیل بخش هایی از سخنان "شله سعدی" را برای اطلاع خوانندگان "نامه هر ده" درج می کنیم :

اگر نظر ما را در مورد کابینه آینده بخواهید، باید مهم وزرا عوض شوند و یک خانه تکانی حسابی در کابینه انجام گیرد، بجز سه وزیر اقتصاد و دارایی، وزیر پست و تلکراف و وزیر کشاورزی، بقیه وزرا بدون استثنای باید عوض شوند. دولت قبلی نه سیاسی بود، نه کاری، این دولت اگر سیاسی نیست اقلای کاری باشد... بنظر من آقای ولایتی طبیب خوبی است و اگر به طبایت مشغول شود بهتر است تا به سیاست، پنهان اگر بچه ام مرتضی شود پیش ایشان می برم و اگر کاندید وزارت بهداشت شود به وی رای خواهم داد ولی در پست امور خارجه نخیر... در قانون اساسی ما تقاد و تناقض وجود دارد، نظام، نظام ولایت فقیه است ولی توقع مردم از پارلمان مانند توقع مردم فرانسه از پارلمانشان است و این عملی نیست... بخارطه دارید صرف یک سوال از وزیر امور خارجه موجب ملاشی شدن زندگی سیاسی ۸ نفر شد... زمانی که من گفتم آخرین پنج تومانی از کجا ۱۵ میلیون تومان پول گیر اورده هم را مستند گفتم و مدرکش در جیب بود... .

بدنبال چاپ این مصاحبه در روزنامه "سلام" و فشار شدیدی که در مجلس بر روی تماینده شیراز وارد آمد، "شله سعدی" نامه ای به این شرح به ریاست مجلس ارسال کرد :

"ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، سلام علیکم، احتراماً به استحضار می رساند در خصوص مسایلی که در روزنامه سلام ۷۲/۴/۲۰ راجع به اینجانب درج شده است به استحضار می رساند که اولاً، اینجانب با روزنامه سلام اصولاً مصاحبه ای نداشت. ثانیاً، مطالب تحریف شده و اعلام جرم خواهم کرد. با تشکر قاسم شله سعدی"



نگرانی ایران از کاهش قیمت نفت اوپک

بر اساس گزارش های سرویس خبری روزنامه "کیهان"، رئیس سازمان اوپک با وزیر نفت جمهوری اسلامی پیرامون کاهش قیمت نفت دیدار و گفتگو کرد. بر اساس این گزارش، آغازده در این دیدار از جمله خاطر نشان ساخت: "عدم امضا یکی از تمایندهان اجلas ایشان اوپک از سوی کویت، سرازیر شدن مازاد نفت در بازارهای جهانی، باعث کاهش قیمت نفت شده است". به نظر آغازده، "چنانچه هر ۱۲ عضو اوپک پاییندی خود را ملزم به رعایت سهمیه های تولیدی داشت، قطعاً بحران از بین خواهد رفت، در غیر این صورت احتمال افزایش تنشیج در بازار بیشتر خواهد شد".

بر اساس گزارش های رسیده، دولت کویت اعلام کرده است که قصد دارد تولید نفت خود را تا یک میلیون و ۹۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد. و این در حالی است که دولت عراق نیز در خواست تولید ۱/۶ میلیون بشکه در روز را ایشان دارد. لازم به تذکر است که قیمت هر بشکه نفت در سال جاری از رقم حدود ۲۰ دلار در بشکه به ۱۶ دلار در هر بشکه کاهش یافته، که رقم بسیار قابل ملاحظه ای است. از افراد فوری این کاهش درآمد کسر بودجه ارزی است که از جمله دولت جمهوری اسلامی با آن مواجه خواهد شد. این کسری ارزی، تاکنون منجر به بدھی بیش از ۳۰ میلیارد دلاری ایران به کشورها و بانک های خارجی شده است.

از انتخابات ریاست جمهوری تا انتخاب کابینه

تیتر بالا عنوان مقاله ای است که در روزنامه "سلام" ۵ مرداد ماه به چاپ رسیده است. مقاله در توضیح روند چگونگی "انتخاب" کابینه نویسید: "نمی دانم این سوال برای خوانندگان ما پیش آمده است که چرا مباحث مریبوط به انتخاب وزرای کابینه بسیار گستر از مباحث مریبوط به انتخابات ریاست جمهوری است؟ معمولاً در همه جای دنیا انتخابات ریاست جمهوری داغ ترین قسمت تور سیاسی است و هر مخالفت و موافقی با سیاست های جاری و برنامه های ای اینده در آن هنگام زده می شود... ظاهرآ در اوضاع کنونی چنین اصلی صادق نیست و پس از انتخاب رئیس جمهور تازه وارد مرحله حسنه سیاسی شده ایم. برای درک این مطلب ضروری است قدری به گذشته بازگشت. قبل از کنتم که باید دید تحت کدام فرایند، اتحاد دیروز به ائتلاف امروز تبدیل شده است. واقعیت آن است که در انتخابات مجلس چهارم هر دو گروه جناح راست (محافظه کار و لیبرال) از هول حذف جناح چپ در دیگر حدود اتفاق نداشتند. اما وقایع نشان داد که در این دیگر، تا سرحد ذوب شدن در یکدیگر غوشیدند. بهتر است بگوییم امکان این امر وجود نداشت، زیرا مثل دو فلزی بودند که قابلیت تبدیل به آلایزی واحد را نداشتند... اگر یادتان باشد شعار "مخالف هاشمی، مخالف رهبر است، مخالف رهبری دشمن پیغمبر است". متعلق به مین دوران ماه عسل است و جناح راست محافظه کار حاضر بود برای هر کس که اندک شبیه ای نسبت به این شعار ایراز دارد خط و نشان بکشد اما چندی نگذشت که در انتخابات ریاست جمهوری، کاندیدای دوم این انتخابات به سادگی تعریف لباس، این شعار استراتژیک را متعلق به دوران

بخش هایی از حمل و نقل زمینی، هوایی و دریایی به بخش خصوصی واگذار می شود

بر اساس گزارش سرویس خبری "کیهان"، طرح واگذاری بخش های حمل و نقل زمینی، هوایی و دریایی و همچنین بخش راهسازی و راهداری به بخش غیر دولتی در جلسه اخیر شورای عالی اداری کشور به تصویب رسید. بر اساس این تصمیمات، توافق شد که بخش های حمل و نقل زمینی شامل احداث، تجهیز، توسعه و بازسازی خطوط تاسیسات، تعمیر و نگهداری در راه آهن کشور به بخش غیر دولتی واگذار می شود. بر اساس این طرح بخش غیر دولتی همچنین فعالیت های حمل و نقل دریایی، شامل تخلیه، بارگیری، باربری و انبار داری در معوطه بنادر و سایر خدمات بندری مانند تامین اینی و... و همچنین امور خدماتی فرودگاه های کشور، خدمات مربوط به هوایپما، مسافر، بار، تیغه و طبخ غذا و تنظیف هوایپما ها و آشیانه ها را نیز عهده دار خواهد شد. این طرح که بدنبال طرح خصوصی کردن شیلات کشور سرب می رسد ("نامه مردم" ۴۰۷)، بخشی از برنامه دولت برای واگذاری

چرا حساب خود را از رژیم مدافعان سرمایه داران و "طبقات بالای اقتصادی" جدا نمی کنید؟

از زفہای اقلاب، خود و دیگران را با هم بست
مواجعی کند.

دو اینکه سمت گیری رئیس "ولایت تبه" در
"دفاع از طبقات بالای اقتصادی"؛ "انقلاب مردم ایران"
را با هم بست و شکست روپرورد کرد، کوچکترین
ترددی نمی توان داشت. اما اولین سوال که این
لرزهای های اداره کنندگان و دوستگان شریه
"سلام" در ذهن هر خواسته ایجاد می کند این است
که چرا آنها، با وجود همه این تحلیل ها، حساب خود
را از کسانی که اینچیخ به نفع "طبقات بالای اقتصادی"
می کنند و از زفہای اقلاب را با هم بست مواجه
کرد، اند چنانی کنند؟

وقایت تاریخ این است که "دفاع از طبقات
بالای اقتصادی" در جمهوری اسلامی، نه با شروع مجلس
چهارم، بلکه با سرکوب نیروهای دکتراندیش
موادر رزمتشکان و "طبقات بالاین" جانش، به پوزه
حزب شوده ایران، آغاز گردید. کسانی که از گروش
های انقلاب "ساده‌گانه" دفاع می کنند، ای تواند و
تباید از کثار این حقیقت مه و تین کنند، که خود
باعث و بانی وضعیت کنونی بوده است، بن تقاضوت
بکنند.

شدن ده ها نفر مردم خادی شد و به یک سری
حملات از سوی مردم به جان آمده از ستم به
نیروهای سازمان ملل و خبرنگاران خارجی
اجماید.

علی این رخدادهای خبرنگار خارجی
کشته شدند. در زمان حمله، مقامات رسمی
سازمان ملل گفتند که این حمله طوری زمان
بندی شده بود که یک "هسته تروریستی اصلی"
را که گروی می خواسته است به نیروهای حافظ
صلاح سازمان ملل در سومالی حمله کند، از
بین ببرد. مقامات آمریکایی کار خود را، که
بسیار عالی طراحی شده بود "موقعیت آمیز
خوانند.

۱۴ مرداد ماه "اشنکن" بست پراساس
یک گزارش ۲ صفحه ای شنبه دادگستری
(عدالت) سازمان ملل که در سومالی تیوه شده
و نسخه ای از آن به "اشنکن" بست "درز پیدا
کرده است، مقاله منفصل را به چاپ رسانده
است. گزارش مزبور این سوال را مطرح می
کند که سازمان ملل چه حق قانونی و اخلاقی
دارد که این حمله را سازمان بدهد، "در حالی
که مأموریتش در سومالی فراهم آوردن کمک
های غذایی و انساندوستانه می باشد، ما
معتقدیم که به عنوان پخشی از سیاستان، قبل
از اینکه به ساختمانی که در آن انسانها زندگی
می کنند برای تخریب آن حمله شود، باید به
آن ها اخطار قبلي داده شود".

"اشنکن" بست گفته است که این
گزارش را از طریق پرسنل سازمان ملل که از
عملیات آن در سومالی ناراضی هستند به
دست آورده است.

روزنامه "سلام" سیس در ادامه ارزیابی خود از
وضع مجلس می نویسد: "شاید عده ای نکر کنند که
مجلس طرحهای هم در جوایز حسابات از محرومین
داشته است. طرح چند روز قبل مجلس در خصوص
تیوه مسکن برای افراد کم درآمد، که بعضی ها برای
دغوش کردن مردم آن را تیتر گردد به نظر می رسد
مشکلی از این افراد حل کند، زیرا مبلغ انتساب
داده شده بر اساس این طرح در سال ۷۷ تنها به
۱۵- میلیون تومن می رسد، که حداقل ۷۵ خانه می
شود." این روزنامه، پس از نام بردن از این طرح به
عنوان "یک شوخی نیست" می گیرد، "از هنگامی که مجلس
نمی خندد، تیجه می گیرد، از هنگامی که مجلس
چهارم تشکیل شد، بر اساس شمارهای که داده می
شده این تصور برای جامعه پیش آمد که مجلس در
دفاع از محرومین و طبقات قبیر جدی است، ولی
شاهر این تصور با واقعیت های جاری اتفاق ندارد و
اواین نشانه های دفاع از طبقات بالای اقتصادی از
مدعیان پیش اشکار شده است و بطور جدی هم در این
واه گام برمی دارند".

"سلام"، گفتار خود را با این هشدار به پایان
می برد که "مجلس شورای اسلامی در تهایت جامعه را
به سمت و سقی می برد که ... برای دفاع از

از زمان تصفیه مجلس از مخالفان و "آخیار" در
دوره چهارم انتخابات، تجار و سرمایه داران بخشن
خصوصی مجلس شورای اسلامی را به جولاگاه طبقاتی و
تیول شخصی خود بدل کرده اند و از آن برای گزراشند
قوانین در جهت منافع گروهی و حتی شخصی خود استفاده
می کنند.

نموده باز این دخالت ها، اعمال نفوذی های سرچ و
اشکار اتاق بازرگانی و صنایع و معدن، تحت ریاست
تاجر بزرگ و "سرفیتس" گشوار آقای خاموشی، در
مجلس است که اخیرا در روزنامه "سلام" بازتاب یافته است.

روزنامه "سلام" (۲۶ تیر ۱۳۷۷)، از چند نمونه
شخص سو استاد، ها و اعمال نفوذی های آقای خاموشی
در روند قانونگذاری پرده بر می دارد، در اولین نمونه،
که "سلام" آن را "اولین کام" ایشان در مجلس در دفاع
از بازرگانان" می نامد، آقای خاموشی با سی و کوشش
بسیار طرح تامین هزینه های اتاق بازرگانی و صنایع و
معدن را در "خوار لول" به تصویب مجلس می رساند. بر
اساس این طرح، "در هزار از مالیات" پرداختی به
دولت توسط شرکت ها، صاحبان صنایع و بازرگانان، به
صرف "گزراشند امور این اتاق" خواهد رسید. نکته
قابل توجه این است که آقای خاموشی، گذینده مجلس از
تهران، ویس اتاق بازرگانی و صنایع و معدن نیز مسنا
نمونه دیگر، "طرح معافیت مالیاتی کارخانیات
جامعه الصادق" است که با این توجیه که "در اندام های آن
صرف آموزش می شود"، در اوایل تیرماه از تصویب
مجلس گزراشده شد. این طرح نیز، به گفته روزنامه
"سلام"، "به سود مداری آقای خاموشی" ویس یکی از
کارخانیات تحت پوشش جامعه الصادق، ایوان و تصویب
شده.

۱۷ مرداد ماه، در ادامه پرخوردهای
مردم عاصی و نیروهای آمریکایی، ۴ سرباز
آمریکایی در جنوب مکاریش کشته شدند.
اعلامه های شدیدالحنن پتاگون و اظهارات
بیل کلیتون، نیروهای وابسته به "اتحاد ملی
سومالی" به رهبری محمد فرج آبدید را
مقصر دانسته و اخطار کرده اند که اقدامات
تلافی جویانه ای را تدارک خواهند دید. در
بیانیه ای که از سوی "اتحاد ملی سومالی"
منتشر شده است گفته می شود که تهدید
بیل کلیتون به انتقامجویی از این کشتارها،
"به منظور بهانه جویی و تهاجی تمام عیار و
تجاویز همه جانبه علیه سومالی می باشد".

در این که دولت آمریکا زیر پوشش
ماموریت سازمان ملل، مقاصد تجاوزکرده ای
را دنبال می کند و هدف آن از پرخوردهای
نظامی، به تحمل بدن و انهدام نیروهای
مخالف می باشد، غی توان شک داشت. حتی
نیروهای عضو سپاهیان سازمان ملل، منجمله
پرسنل ایتالیایی و فرانسه آنها، در عاقلانه و
قانونی بودن اقدامات نظامیان آمریکایی
ابرزا تردید نموده اند.

در این رابطه علی گزارش که در
روزنامه "اشنکن" بست "چاپ گردید حتی
مخالفت ارگان های سازمان ملل با
ماجرایی های آمریکا که در نیمه دوم ماه
گذشته به حمله هلیکوپترهای نظامی این
کشور به مجتمع فرماندهی نیروهای "اتحاد
ملی سومالی" آلمامید، منعکس گردیده است.
لازم به یاد آوری است که در آن تهاجم،
آمریکا از توب، موشک و هلیکوپترهای
توپدار کبرا استفاده کرد که نتیجه به کشته

سومالی





"آینده از آن سوسياليسم است!"

رفيق چارلز نکواکولا، دبیر کل جديد حزب کمونيست آفريقيا جنوبي در پام مهمي، که در نشریه اين حزب به چاپ رسيده است، استراتجي و تاكتيك مبارزه در شرایط کنوبي و وظایف نیروهای ملي و آزادبخوان را تشرح كرد، که نظر به اهميت آن ما قسمت هايی از آن را به اطلاع خوانندگان "نامه مردم" می رسانيم.

ياقنت باخ و خارج شدن از سردرگمي ها و مشكلات پيش آمد دارد. به گمان ما اين نروهاشی ها ذره اي از استقاد ما از سистем سرمایه داري غني کاهد. سرمایه داري عيقاً فاسد، غير منطقی، ظالم و سركوبکر است. آينده از آن سوسياليسم است. ولیکن ما از هم اکتوبر وظيفه دارم تا پايه هاي قوي را برای ايجاد سوسياليسم ايجاد کنيم. جنبش چپ در کشور ما از سال ۱۹۵۵ مهر و شان غود را بر جنبش آزادبخش ملی کشور زد. با انتشار "منشور آزادی" کنگره ملی آفریقا، افق تازه و گستره اى برای آينده تمايان گشت. اين دستاورده نیروهای چپ نه از طريق ياند بازي و دسته بندی و زير کنترل گرفتن کنگره ملی آفریقا، بلکه از طريق مبارزه و سازمانده يك پرسه عميق برای قبول چنین منشوری از سوی توده هاي خلق بدست آمد "منشور آزادی" به عنوان برنامه جنبش آزادبخش قبول شد و برنامه و خواست اساسی صدها هزار مردم زحمتکش کشور ما گردید.

ما در سال ۱۹۹۳ باید بکوشيم تا به تابع مشابهي دست یابیم. ما باید برنامه مان تدوین کنيم. اين برنامه را برای بازسازی جامعه مان تدوین کنيم. اين برنامه باید از درون مبارزه توده اى، از تشکل هاي توده اى و از طريق شرکت فعال توده ما حاصل گردد. اين برنامه بازسازی جايگزین "منشور آزادی" نیست. اين برنامه، برنامه عمل برای دستیابي به "منشور آزادی" است. اين برنامه بازسازی ما برای ايجاد سوسياليسم در کشور نیست، ولی ما می بایست اين روند را به آن سمت سوق دهیم.

آينده از آن سوسياليسم است. باید از همین حالا شروع به پايه ريزی و ساختمان آن گكئیم."

كمک های مالی رسیده:

ر. معین از اiran	۵۰/۰۰۰ ریال
رامین فرزانه از نیویورک	۴۰ دلار
شکیب	۱۰۰ مارک

"اکنون زمان آن فرا رسیده است که حزب کمونيست آفريقيا جنوبي و ديکر ساختارهای طبقه کارگر در درون جنبش انتلافی به رهبري کنگره ملی آفریقا، با خوشبینی و اطمینان به آينده کنگرند". رفيق چارلز نکواکولا، دبیر کل جديد حزب کمونيست آفريقيا جنوبي در اين پام مهم به تشرح شرایط حاد مبارزه و شرایط حاکم در کشور پرداخت. وي از جمله با اشاره به مشكلات کنوبي در جنبش گفت: "نیروهای چپ و تشكيل های طبقه کارگر باید به وظيفه تاریخي خود که راهنمایي جنبش آزادبخش ملی به جلو است عمل کنند. باید جنبش توده اى را از سردرگمي ها، گلایه ها و بحث کردن پیرامون امكان اختلاف رهانید و راه آينده را پيش روی آن قرار داد. ما می بایستی ضمن وفاداری به اصول اساسی جنبش آزادبخوانه ملی کشورمان و دوری از هرگونه جزم گرایی بر اصول خود پای قشاریم که آينده از آن سوسياليسم است. ما باید با طرح يك برنامه همه جانبه برای بازسازی کشور اين امكان را ايجاد کنیم که کنگره ملی آفریقا بتواند در انتخابات ۲۷ آوريل سال ۱۹۹۴ پیروز شود. چنین روند مذاکرات و در دوران گذار، به پیروزی هاي دست یابند، در انتها به حاشیه رانده شده اند و عرصه را برای نیروهای تولیپرال باز گذاشته اند. اين برنامه اى باید در عین حال توان آن را داشته باشد که بتواند به مثابه راهنمای عمل ما پس از انتخابات عمل کند. اوضاع کنوبي جهان و کشور چنان است که بسياری از پیروزی های با اهمیت، يکباره و قطعی نیستند، بلکه تسبی و مرحله اى می باشند. رژیم دکلرک مصمم است که با پيش گرفتن يك استراتجي دقیق از اهمیت اين پیروزی ها بکاهد. به عنوان مثال، رژیم سه سال پيش از آزاد ساختن رفیق ماندلا، در مورد آزادی قریب الوقوع او داستان ها و شایعات بسياري پخش کرد، هدف این تاكتيك بی اهمیت ساختن آزادی رفیق ماندلا و اثر تبلیغاتی آن برای جنبش بود. ولی رژیم در این عرصه شکست خورد و ما توانستیم به پیروزی دست یابیم. روز جمعه ۲ ژوئیه جنبش متفرقی به يك پیروزی تاریخی ديکر دست یافت و بالاخره توافق شد که در تاريخ ۲۷ آوريل ۱۹۹۴، اولین